

A systematic review of gender justice studies in Iran

Zahra Borbor¹ | Mansoura Zarean² | Naira Ahmadi³

Abstract

Gender justice is an indeterminate concept that takes on a special meaning in different schools and has a proportional meaning in the Islamic approach and an egalitarian meaning in the feminist approach. In today's era, the number of researches that deal with the issue of gender justice with different approaches is increasing day by day, and this problem reveals the importance of evaluating, summarizing and summarizing these researches. The present study evaluated 26 scientific-research articles about gender justice in the period of 2016 to 2021 using a systematic review method. The results indicate that 59.09 percent of research questions had a social aspect. Also, social factors such as "gender stereotypes", "patriarchal ideology", "masculine social and organizational structure" and "masculine urbanization" with 61.81% had the biggest role in creating gender inequality. In addition, gender discrimination has caused social and psychological consequences such as "reproduction of unequal social structure", "feeling of deprivation" and "reduced motivation for work and education". 95.15% of the studies under study assumed the egalitarian meaning of gender justice.

Keywords: gender inequality., gender justice., gender discrimination., systematic review.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.64.6.4

1. PhD student in Women's Studies, University of Religions and Religions, Qom, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Social Sciences and Development Studies, Women's Research Institute, Al-Zahra University, Tehran, Iran.
3. Corresponding Author: PhD student in women's studies (women's rights in Islam), Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

64

Vol. 3
Autumn 2023

Research Paper

Received:
13 November 2022

Accepted:
11 April 2023
P.P: 129-154





مرور نظام‌مند مطالعات عدالت جنسیتی در ایران

زهرا بوربور^۱ | منصوره زارعان^۲ | نیره احمدی^۳

چکیده

عدالت جنسیتی مفهومی نامتعیین است که در مکاتب مختلف معنای خاصی به خود می‌گیرد و در رویکرد اسلامی معنایی تناسبی و در رویکرد فمینیستی معنایی تساوی‌گرایانه دارد. در عصر حاضر روز به روز بر تعداد پژوهش‌هایی که با رویکردهای مختلف به موضوع عدالت جنسیتی می‌پردازند افزوده می‌شود و همین مسئله اهمیت ارزیابی، تلخیص و جمع‌بندی این پژوهش‌ها را آشکار می‌کند. مطالعه حاضر با روش مرور نظام‌مند به ارزیابی ۲۶ مقاله علمی-پژوهشی حول عدالت جنسیتی، در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که ۵۹/۰۹ درصد پرسش‌های پژوهش‌ها جنبه اجتماعی داشتند. هم‌چنین عوامل اجتماعی چون «کلیشه‌های جنسیتی»، «ایدئولوژی مردسالار»، «ساختار اجتماعی و سازمانی مردانه» و «شهرسازی مردانه» با ۶۱/۸۱ درصد، بیشترین نقش را در ایجاد نابرابری جنسیتی داشتند. به علاوه تبعیض جنسیتی سبب بروز پیامدهای اجتماعی و روانی چون «بازتولید ساختار اجتماعی نابرابر»، «احساس محرومیت» و «کاهش انگیزه شغلی و تحصیلی» گردیده است. ۹۵/۱۵ درصد پژوهش‌های تحت مطالعه معنای تساوی‌گرایانه از عدالت جنسیتی را مفروض گرفته بودند.

کلیدواژه‌ها: نابرابری جنسیتی، عدالت جنسیتی، تبعیض جنسیتی، مرور نظام‌مند.

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.64.6.4

۱. دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

۲. استادیار، گروه مطالعات علوم اجتماعی و توسعه، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

۳. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مقدمه

در قرن بیستم پس از لیبرالیست‌های کلاسیک فمینیست‌ها تلاش کردند با محوریت قرار دادن واژه تبعیض، برابری و عدالت را دو مفهوم مرادف بشناسانند. اسناد زنانه متعددی این تغییر را نشان می‌دهند؛ به طور مثال، کنوانسیون رفع تبعیض، در ماده اول خود با دفاع از تساوی به عنوان مفهومی در مقابل تبعیض، تمایزات مبتنی بر نقش زن در تأهل را تبعیض شمرده و نقش‌های والدینی را کلیشه دانسته است.^۱ این سند مراعات حقوق بارداری و شیردهی زنان شاغل را تبعیض مثبت می‌داند.^۲

علاوه بر مصطلح‌سازی برای مفهوم عدالت، فمینیست‌ها با تفکیک واژه جنس^۳ از جنسیت^۴ تلاش کرده‌اند جنسیت را نوعی برساخت فرهنگی و اجتماعی از زنانگی و مردانگی معرفی نمایند و از اهمیت هژمونیک تفاوت‌های مردان و زنان به سود برابری بکاهند و از جنسیت تصویری تغییرپذیر ارائه دهند (دلفی^۵، ۲۰۰۳: ۵۹). از نظر دلفی شاید بیولوژی ظرف تحقق تفاوت‌های جنسیتی از جمله تقسیم کار اولیه بر مبنای تولید مثل باشد؛ اما این تفاوت‌ها تحول‌پذیر و مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی هستند (دلفی، ۲۰۰۳: ۶۰).

در بسیاری از اسناد بین‌المللی به برابری جنسیتی به عنوان هدف اصلی تصریح شده است. در اسناد یونسکو برابری جنسیتی به خصوص در حوزه آموزش اولویت جهانی این سازمان دانسته شده است. از جمله اسناد مرجع یونسکو در این باره سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است.^۶ مرکز آموزش و تربیت برابری جنسیتی در قسمت زنان سازمان ملل^۷ نیز گزارش مبسوطی از زمینه‌های لازم برای ایجاد توسعه بر مبنای برابری جنسیتی ارائه می‌دهد که بیشتر حوزه‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد. هم‌چنین دو سند کلیدی برای برابری جنسیتی را سند سیدا و یکن معرفی می‌کند.^۸

۱. کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان ماده اول و پنجم.

۲. کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان ماده یازده.

3. Sex

4. Gender

5. Delphy, C

6. <https://en.unesco.org/sdgs>: SDGs.

7. UN Women

8. <https://www.unwomen.org>.

نکته حائز اهمیت این است که مصطلحات مفهوم عدالت جنسیتی^۱ و برابری جنسیتی را باید به شکل یک پیوستار دید که در طول دهه‌های گذشته تغییرات معناشناختی متعددی را از سر گذرانده‌اند؛ برای مثال پس از تغییر استراتژی سازمان ملل متحد درباره زنان از «زنان در توسعه» به «جنسیت و توسعه»، مفاهیم «آموزش جنسیتی»، «جریان‌سازی جنسیتی»، «نقش‌های جنسیتی» و «تحلیل‌های جنسیتی» اهمیت جدی یافتند. تمام این واژه‌ها حاکی از برنامه‌ریزی ویژه به سود زنانند و نشان می‌دهند رویکرد این مجموعه‌ها به سمت عدالت جنسیتی به معنای دادن امتیازات ویژه برای پیشبرد و رسیدن به برابری بوده است. در واقع واژه عدالت جنسیتی که حاوی تبعیض مثبت به سود زنان بود به دنبال ایجاد وضعیتی فراتر از برابری به صورت موقت بود تا زنان به معنای واقعی کلمه به برابری برسند (علاسوند، ۱۳۹۷: ۶۵). برخی بر این باورند که کنشگران و دانشگاهیان اصطلاح عدالت جنسیتی را برای نشان دادن ناکارآمدی برابری جنسیتی برای حل مسائل و مشکلات زنان به کار بردند (موکجی^۲ و سینگ^۳، ۲۰۰۷).

عدالت جنسیتی در یک تلقی، راهبردی است بر محور جنسیت برای رسیدن به برابری مردان و زنان و از میان بردن کلیشه‌های جنسیتی و ایجاد برابری میان انواع جنسیت‌ها. در واقع عدالت جنسیتی یکی از قطعات پازل عدالت اجتماعی و یکی از وظایف حکومت در برابر ملت است؛ زیرا کاهش انواع نابرابری‌های اجتماعی از مسئولیت‌های حاکمیتی به شمار می‌رود و مرجع فهم برابری و نابرابری درباره آن عرف یا قانون عقلایی است؛ در تلقی دیگر، عدالت جنسیتی زیر مجموعه نظریه کلی عدالت است که مبانی و آثار خاص خود را دارد، از جمله اینکه خداوند مبدأ و مرجع تعیین مصادیق عدالت است. به همین جهت وقتی طرفداران عدالت جنسیتی از هر دو طیفی که امروزه این مفهوم را به کار می‌گیرند، درباره آن صحبت می‌کنند احتمالاً فهم مشترکی از آن، نداشته درباره یک مبدأ سخن نمی‌گویند؛ در این صورت عدالت جنسیتی در سطح معناشناختی قابل گفت‌وگو است (علاسوند، ۱۳۹۷: ۶۰-۶۲).

به منظور تبیین پشتوانه‌های نظری عدالت جنسیتی، نظریات غربی مطرح در مورد عدالت و قابلیت استفاده از آنها در نظریه فمینیستی عدالت جنسیتی مورد بررسی قرار گرفته است.

1. Gendered Justice
2. Mukhopadhyay, M
3. Singh, N

برخی از نظریات عدالت جهت تحقق مفهوم اجتماعی حقوق بشر، بر دخالت دولت و قدرت مرکزی در تأمین ابعادی از حقوق اجتماعی و اقتصادی افراد در جامعه تأکید دارند. این نظریات نتیجه‌گرا بوده و مانند نظریه مساوات‌گرایی، بر برابری در نتایج متکی هستند (کونو^۱، ۲۰۰۳: ۱۱۹۴). برابری در نتایج به نوعی پیشرفت در نظریه برابری در فرصت‌ها محسوب می‌شود (سندل^۲، ۱۹۹۸: ۶۹). منتقدان برابری در فرصت‌ها معتقدند که گام منطقی دیگر پیشرفت از برابری در فرصت‌ها به سمت برابری در نتایج است. زیرا اگر در یک نظریه‌ی عدالت، برابری میان افراد مهم باشد، باید با توجه به تغییرات و نیازهای جامعه، دائماً نظریه برابری خود را اصلاح کند و با توجه به موقعیت متفاوت افراد آن را ارتقا دهد و به نوعی مهندسی وضعیت را به عهده بگیرد (سندل، ۱۹۹۸: ۶۹-۷۰).

نظریه مارکسیسم از جمله نظریات نتیجه‌گراست که تحقق عدالت را با دخالت دولت مرکزی ممکن می‌داند که نتیجه کار همه را به صورت یکسان و برابر در اختیار مردم قرار دهد. این نظریه بر «کار به اندازه توان و سود به اندازه نیاز» مبتنی است. در این نظریه زنان جایگاه ویژه‌ای ندارند؛ ستم بر زنان، کار خانگی و خصلت جنسیتی کار زنان در بازار کار مورد توجه قرار نگرفته است. گرچه فمینیست‌های مارکسیست معتقدند که مسئله زنان تنها تضاد طبقاتی نیست؛ اما مبارزه طبقاتی و از بین بردن سرمایه‌داری را در اولویت می‌دانند (آبوت و والاس، ۱۳۹۵: ۲۸۸-۲۹۳). از آنجاکه عدالت جنسیتی به دنبال اعطای امتیازات ویژه به زنان، به منظور رفع نابرابری‌ها علیه زنان است، با تحلیل مارکسیستی از عدالت قابل تحقق نیست.

فمینیست‌های سوسیالیست، با به کارگیری مفهوم مردسالاری، معتقدند مردسالاری در جوامع سرمایه‌داری شکل مشخصی به خود می‌گیرد. از نظر آنان طبقه حاکم و مردان هر دو زنان را تحت کنترل خود دارند؛ به همین دلیل رهایی زنان را در گرو از بین رفتن هر گونه تقسیم کار بین زن و مرد و کارگر و کارفرما می‌دانند (آبوت و والاس، ۱۳۹۵: ۲۹۷-۲۹۸)؛ لذا عدالت جنسیتی با این تحلیل قابل دفاع است.

نگرش رالز^۳ به عدالت ارزش‌داورانه و فضیلت‌گرا نیست و معتقد است عدالت اجتماعی نباید مبتنی بر پیش فرض‌های فلسفی و یا مذهبی باشد (رالز، ۱۹۹۹: ۴۴). وی حق را بر خیر مقدم می‌داند

1. Konow, J
2. Sandel M. J
3. Rowls, J

و در نظریه‌اش خیر به عنوان یک امر اخلاقی که مبنای حقوق قرار گیرد، موضوعیت ندارد (رالز، ۱۹۹۹: ۳۴۸). تقدم حق بر خیر از جمله گزاره‌هایی است که از سوی فمینیست‌ها در مسائلی مانند سقط جنین مورد استفاده قرار می‌گیرد.

رالز درباره عدالت به اصل جبران نابرابری‌ها پرداخته است و با توجه به تفاوت‌های بین اقشار مختلف مردم، قائل به تقسیم مزایای اجتماعی به صورت نابرابر در بین آنهاست (رالز، ۱۹۹۹: ۸۶). نظریه رالز فراتر از برابری در فرصت‌هاست و به سمت برابری در نتایج میل می‌کند. او معتقد است باید حداقلی از مزایا بین همه مردم تقسیم شود و لازم است بیشترین سود به طبقات محروم جامعه تعلق پیدا کند (رالز، ۱۹۹۹: ۷۱). اصل تفاوت و جبران نابرابری‌های طبقات محروم، مهم‌ترین اصل نظریه رالز است که می‌تواند مبنای نظریه فمینیستی عدالت جنسیتی قرار گیرد. در واقع این اصل خواستار رعایت حقوق به سود افراد محروم‌تر است (رالز، ۱۹۹۹: ۸۴ - ۸۵). از نظر رالز تفاوت‌های طبیعی تا زمانی که سبب محرومیت (مانند معلولیت) نشده باشد منشأ تفاوت نیست. بنابراین با توجه به نظریه وی اگر جنسیت به عنوان یک برساخت اجتماعی سبب محرومیت شود، باید افراد محروم مورد حمایت قرار گیرند. با توجه به نکات پیش گفته و اینکه نظریه فمینیستی عدالت جنسیتی مداخله در وضعیت طبیعی را لازم می‌داند، نظریه رالز می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای نظری برای عدالت جنسیتی مورد استفاده قرار گیرد.

برخی عدالت‌پژوهان از جمله رابرت نوزیک^۱ و فدریک هایک^۲ مخالف دخالت حداکثری دولت‌ها هستند و آن را ناقض حقوق فردی مردم می‌دانند (هایک، ۲۰۱۱: ۲۲؛ نوزیک، ۱۹۷۹: ۱۴۹). نوزیک نظریه عدالت خود را نظریه استحقاق نامیده است. اولویت داشتن آزادی فردی بر سایر ارزش‌ها، اعتقاد به اقتصاد باز و مالکیت خصوصی دارایی‌ها، آزادی افراد در اکتساب و انتقال مشروع دارایی‌ها و تقدم حق بر خیر دیدگاه نوزیک در مورد عدالت را تشکیل می‌دهد (نوزیک، ۱۹۷۹: ۱۵۱). دیدگاه نوزیک تنها برای فمینیست‌هایی کاربرد دارد که مدافع برابری در فرصت‌ها هستند. برابری در نتایج و عدالت جنسیتی هر دو مستلزم مداخله در وضعیت موجود هستند که توسط دولت، ساختارهای سیاسی و اجتماعی و یا نهادهای بین‌المللی صورت می‌گیرد. در عدالت جنسیتی هر دو مفهوم برابری و تفاوت به سود زنان به کار گرفته می‌شود و اعمال برابری در برخی قوانین و یا تفاوت

1. Nozick, R

2. Hayek, F. A

در برخی دیگر به صورت طبیعی نیست؛ بلکه از پیش تعیین شده و مبتنی بر سیاست‌های بالادستی است که با حساسیت نسبت به جنسیت گاهی در قالب برابری و گاهی در قالب تفاوت به سود زنان نمود پیدا می‌کند.

هایک بر این باور است که در جامعه لیبرال و آزاد، تنها گونه‌ی برابری که می‌توان به رسمیت شناخت، برابری در برابر قانون است و سایر موارد برابری، به نوعی با آزادی و استقلال فردی در تناقض است (هایک، ۲۰۱۱: ۸۵-۸۶). هایک بر این باور است که انسان‌ها متفاوت به دنیا می‌آیند و هر کس به دلیل این تفاوت‌ها منحصر به فرد است و نادیده گرفتن این تفاوت‌ها منجر به نقض آزادی و ارزش افراد می‌شود. بنابراین اگر بخواهیم برای انسان‌ها برابری ایجاد کنیم باید با آنها متفاوت رفتار کنیم (هایک، ۲۰۱۱: ۱۴۹-۱۵۰). هایک معتقد است اگر در شرایط خاصی فقط از افراد خاصی که در آن شرایط قرار دارند حمایتی صورت گیرد، مخالف آزادی نیست؛ به طور مثال حمایتی که از زنی که به وی تجاوز شده صورت می‌گیرد (هایک، ۲۰۱۱: ۲۲۲). از این‌رو، دیدگاه هایک به علت مخالف با دخالت گسترده دولت و اولویت قائل شدن برای آزادی در برابر برابری، با عدالت جنسیتی ناسازگار است.

نظریات عام‌گرای مذکور هر کدام برای تحقق عدالت از یک معیار نیاز، استحقاق، برابری و یا آزادی دفاع می‌کنند. در مقابل این نظریات، نظریات دیگری نیز در مورد عدالت وجود دارند که رویکردهای غیرعام‌گرا و محلی، چندمعیاری و یا فضیلت‌گرا دارند. کونو در نوشته‌های خود به این نظریات پرداخته است. برخی نظریات عدالت غیرعام‌گرا، محلی^۱ هستند. مطابق این نظریات، عدالت الزاماً مفهومی جهانی و عمومی نیست و اصول عدالت با توجه به کشورها و زیست‌بوم‌ها، بافت‌های فرهنگی و تاریخی، آداب و رسوم و گروه‌های انسانی متفاوت است. گاهی از این تئوری‌ها با نام «تئوری‌های پدیدارشناختی عدالت» یاد می‌شود (کونو، ۲۰۰۳: ۱۲۲۲-۱۲۲۳). برخی از عدالت‌پژوهان به تکرر در عدالت و معیارهای آن معتقدند از جمله مورتن دویج^۲ (۱۹۸۵) که معتقد است همواره با ایجاد برابری محض نمی‌توان به عدالت دست یافت و معیارهای برابری، انصاف و نیاز را به عنوان معیارهای عدالت مطرح می‌کند. این گروه از عدالت‌پژوهان معتقدند با توجه به عناصر و موقعیت‌های مختلف برای تحقق عدالت نیازمند معیارهای چندگانه هستیم (کونو، ۲۰۰۳: ۱۲۳۲).

1. Local Justice
2. Morton, D

نظریه عدالت مکینتایر^۱ نظریه‌ای فضیلت‌گراست. مکینتایر منتقد سلطه مدرنیته، بازار سرمایه‌داری، دانش مدرن و ساختارهای لیبرالیستی و مارکسیست است. وی بیان می‌دارد به دلیل اختلافات و تعارضات موجود در استنباط‌های اخلاقی، برداشت‌های متعارض و متفاوتی درباره عدالت وجود دارد و این امر بیانگر پیچیدگی مفهوم عدالت است (مکینتایر، ۱۹۸۱: ۲۵۲). از نظر وی اختلاف نظر در مورد رابطه بین عدالت و خیرهای انسانی، نوع برابری که عدالت ایجاد می‌کند یا رابطه میان آگاهی و ناآگاهی درباره عدالت و قانون الهی، خاستگاه این اختلاف مفهومی است (مکینتایر، ۱۹۸۱: ۱-۲). از نظر وی ما زمانی عادل هستیم که بتوانیم رفتار عادلانه داشته باشیم؛ لذا باید درک پیشینی از رفتار عادلانه داشته باشیم و معیاری برای تشخیص رفتار عادلانه داشته باشیم. به طور مثال توماس اکویناس^۲ شارح و قوانین شرعی را در مسیر تشخیص رفتار عادلانه و ناعادلانه مؤثر می‌داند؛ همانطور که قانون طبیعی و قوانین موضوعه مبتنی بر قوانین طبیعی چنین نقشی ایفا می‌کنند. با توجه به نکات مذکور نظریات غیرعام‌گرای فوق با نگرش فمینیستی از عدالت جنسیتی ناسازگار هستند.

مطالعه نظریه‌های مطرح عدالت نشان می‌دهد که گرچه تحقق عدالت و رفع ستم از همه، از جمله زنان، ضرورت دارد، اما تمامیت‌خواهی فمینیستی و بهره‌گیری از ابزار کلان ملی و بین‌المللی برای مسلط کردن مفاهیم یکسان و لیبرالیستی از عدالت و درباره زنان، گسترش راهبردهای یکسان برای همه جهان فاقد دانش پشتیبان است؛ و می‌توان از مفاهیم، نظریه‌ها، روش‌ها و راهبردهای متنوع‌تر و بومی‌تری برای رفع ستم از زنان بهره گرفت که یکی از آنها بر پایه دین باشد (علاسوند، ۱۳۹۸: ۲۹). دین اسلام جنسیت را عارضی دانسته و بر هویت انسانی فراجنسیتی تأکید می‌کند. هنگامی که قرآن کریم مسئله زن و مرد را مطرح می‌کند، بیان می‌دارد: این دو موجود را از منظر ذکورت و انوئت شناسید بلکه از منظر انسانیت شناسید و حقیقت وجودی انسان روح اوست نه بدن او، انسانیت انسان را جان او تأمین می‌کند نه جسم او، و نه مجموع جسم و جان (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۷۶). در روابط بین زوجین نیز شارع مقدس با حاکم کردن اصولی چون، مودت و رحمت، معاشرت به معروف، عفو و گذشت، جنسیت را محو می‌کند و در مقابل رسالت، کرامت و هویت انسان بما هو انسان را مطرح می‌کند.

1. Macintyre, A

2. Aquina, T

محققان مسلمان در ایران بیشتر به بعد کلامی عدالت پرداخته‌اند و تا حدی نیز عدالت اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند اما چندان از منظر جنسیت و ابعاد عملگرایانه آن به عدالت نپرداخته‌اند. مطابق دیدگاه اسلام‌گرایانی چون علامه طباطبایی، شهید مطهری و علامه طهرانی مقررات متفاوت و نابرابر برای زنان و مردان که بعضاً به سود مردان یا زنان تلقی می‌شود، مصداق بی‌عدالتی نیست؛ بلکه عمل به اقتضای سرشت و ویژگی‌های طبیعی و روحی زنان و مردان است (خراسانی و احمدوند، ۱۳۹۷: ۱۸۸).

از منظر علامه طباطبایی عدالت آن است که به حکم عقل، شرع و یا عرف هر فردی را در جایی که مستحق آن است قراردهی؛ به انسان نیکوکار به حسب احسانش نیکی کنی و انسان بدکار را به اقتضای بدی‌اش مجازات کنی. از نظر ایشان دین اسلام در وضع احکام در مورد زن و مرد، ویژگی‌ها و اختصاصات هر یک از دو صنف را ملحوظ داشته است و در احکام مشترک، اشتراک نوعی را لحاظ نموده است (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۷۷). شهید مطهری نیز بهره‌مندی هر موجودی به اندازه قابلیت‌اش را عدالت می‌داند: «هر موجودی در هر مرتبه‌ای از وجود، صاحب استحقاق خاصی از حیث قابلیت کسب فیض می‌باشد و از آنجایی که ذات مقدس خداوند، کمال مطلق و فیاض علی‌الاطلاق است، می‌بخشد و امساک نمی‌کند؛ اما به هر موجودی از وجود یا کمال وجود آنچه که برای او ممکن است، می‌بخشد» (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰). از این رو، «اول باید بینیم آیا لازمه تساوی حقوق، تشابه حقوق هم هست یا نه؟ تساوی غیر از تشابه است. تساوی برابری است و تشابه یکنواختی، ... برابری غیر از یکنواختی است» (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۵۰). علامه طهرانی نیز گرچه حول بحث عدالت از لفظ تساوی استفاده کرده است؛ اما معنای استحقاقی عدالت را اراده کرده است: «اقتضای فطرت در تساوی وظایف و حقوق اجتماعی بین افراد است؛ بدین معنا که به هر صاحب حقی، حقیش داده شده و تساوی این نیست که در مقدار و چگونگی و قدرت و مکان و سایر جهات و اعراض با هم برابر باشند» (طهرانی، ۱۴۱۸: ۹۳). لذا در نظر ایشان تساوی به معنای حفظ آن چیز است که برای هر فرد از افراد جامعه از خصوصیات فطری و آثار لازمه خلقت و شئون مختلف حیات وجود دارد؛ نه مسائل اعتباری و قراردادهای مصنوعی (طهرانی، ۱۴۱۸: ۸۸).

در عصر کنونی روزبه‌روز بر تعداد پژوهش‌ها و مطالعات علمی در حوزه نابرابری و عدالت جنسیتی افزوده می‌شود و منابع اطلاعاتی فراوانی حول این موضوع منتشر می‌شود؛ که هر یک به جنبه‌ی خاصی از مسئله می‌پردازد. از آنجا که پژوهش‌گران پیرامون یک مسئله، رویکردی‌های

متفاوتی اتخاذ می کنند و از روش های گوناگونی بهره می گیرند، به نتایج متفاوت و گاهی متناقض دست پیدا می کنند. از این رو به منظور ارزشیابی این اطلاعات علمی، سازماندهی داده ها و استخراج پیام اصلی پژوهش ها، از طریق روش های تلخیص مطالعات انجام شده بسیار حائز اهمیت است (کولیک^۱ و کولیک^۲، ۱۹۸۹: ۲۲۹). به سبب همین امر مرور نظام مند مطالعات صورت گرفته در زمینه نابرابری و عدالت جنسیتی می تواند با سازماندهی و تلخیص پژوهش ها، تصویری جامع و کل نگر در اختیار محققین قرار دهد. با توجه به مطالب ذکر شده پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤالات است که پژوهش های مرتبط با نابرابری و عدالت جنسیتی به لحاظ ویژگی های عمومی (نمونه مورد بررسی، روش، محوریت فرضیات و سؤالات پژوهش) چگونه اند؟ چه عواملی در بروز نابرابری جنسیتی مؤثرند؟ نابرابری جنسیتی چه آثار و پیامدهایی دارد؟ رویکرد کلی پژوهش ها نسبت به نابرابری و عدالت جنسیتی چیست؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش کیفی مرور نظام مند بهره گرفته شده است. این روش نوعی تلخیص نظام یافته، واریسی و جمع بندی منابع اطلاعاتی است. با این هدف که پژوهشگر بتواند داده های موجود پیرامون مسائل مهم علمی را ارزیابی کند (کوفگنکیس^۳ و ویب^۴، ۲۰۰۶: ۱۹). داده های مورد نیاز این پژوهش نظام مند به شیوه کتابخانه ای گردآوری شده است. پژوهش حاضر درصدد است با نگرشی نظام مند ضمن ارزشیابی و تلخیص پژوهش های اجتماعی و کاربردی حول موضوع عدالت جنسیتی به آسیب شناسی مطالعات صورت گرفته بپردازد. بدین منظور کلیدواژه های «عدالت جنسیتی»، «تبعیض جنسیتی» و «نابرابری جنسیتی» در پایگاه های مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags) و بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran) جستجو شدند. ۶۵ مقاله علمی - پژوهشی حول موضوع های یاد شده در بازه زمانی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ یافت شد. پس از مرور چکیده ها، مقالات جستجو شده از نظر محتوایی، در ۷ حوزه دسته بندی شدند: «توصیف و تحلیل نابرابری در جامعه مورد

1. Kulik, J. A
2. Kulik, C. L. C
3. Koufogiannakis, D
4. Wiebe, N

مطالعه»، «عوامل تأثیرگذار بر بروز نابرابری»، «آثار و پیامدهای نابرابری»، «مفهوم شناسی عدالت جنسیتی»، «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در اسناد بالادستی»، «نقش دولت در ایجاد برابری جنسیتی»، «احساس نابرابری جنسیتی در جامعه مورد مطالعه». با توجه به هدف پژوهش متن مقالات سه دسته نخست (۳۱ پژوهش)، به صورت کامل مطالعه شد و در نهایت با حذف پژوهش‌های تکراری و غیرمرتبط، ۲۶ مقاله علمی - پژوهشی وارد مطالعه نظام‌مند شدند. سپس داده‌های موجود در مقالات انتخاب شده در ۴ محور:

- ۱- ویژگی‌های عمومی پژوهش‌ها (نمونه مورد بررسی، روش، محوریت فرضیات و سوالات پژوهش)؛
- ۲- عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی؛
- ۳- آثار و پیامدهای نابرابری جنسیتی؛
- ۴- نظریات حاکم بر پژوهش‌ها و رویکرد آنها نسبت به موضوع برابری، طبقه‌بندی شده و مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های عمومی پژوهش‌ها

از ۲۶ مقاله مورد مطالعه، ۵ پژوهش به وضعیت موجود در مورد عدالت جنسیتی و نابرابری جنسیتی، ۱۴ پژوهش به عوامل مؤثر بر عدالت جنسیتی و نابرابری جنسیتی و ۷ پژوهش نیز به پیامدهای عدالت جنسیتی و نابرابری جنسیتی پرداخته‌اند.

جدول ۱. پژوهش‌های مرتبط با وضعیت موجود نابرابری و عدالت جنسیتی

ش	قلمرو مکانی	نمونه	موضوع	روش	رویکرد روش‌شناختی
۱	منطقه ۸ تبریز	زنان	عدالت جنسیتی در فضاها عمومی شهری	کمی (پیمایش)	توصیفی - تحلیلی
۲	منطقه ۶ تهران	زنان	رابطه فضا و عدالت جنسیتی	ترکیبی (پیمایش - تحلیل محتوا)	توصیفی - تحلیلی
۳	استان ایلام	زنان	نابرابری جنسیتی در ارتقاء و انتصابات سازمانی	کیفی (پدیدارشناسی)	تحلیلی

فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

ش	قلمرو مکانی	نمونه	موضوع	روش	رویکرد روش شناختی
۴	کل کشور	اسناد	عوامل مؤثر بر تبعیض جنسیتی دستمزد در ایران	تحلیل ثانویه	توصیفی - تحلیلی
۵	کل کشور	اسناد	شکاف جنسیتی دستمزد شاغلان	تحلیل ثانویه	توصیفی

جدول ۲. پژوهش‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر نابرابری و عدالت جنسیتی

ش	قلمرو مکانی	نمونه	موضوع	روش	رویکرد روش شناختی
۶	منطقه ۱۵ تهران	زنان	بوستان‌های زنان و ارتقای عدالت جنسیتی	ترکیبی (پیمایش - مردم‌نگاری)	توصیفی
۷	شهر جوانرود	خانواده	سرمایه فرهنگی و تبعیض جنسیتی والدین	کمی (پیمایش)	تبیینی
۸	شهر بوکان و میاندآب	زنان	عوامل مرتبط با نابرابری جنسیتی	کمی (پیمایش)	تبیینی
۹	روستاهای سروستان	خانواده	سازه‌های مرتبط با نابرابری جنسیتی	کمی (پیمایش)	توصیفی - تبیینی
۱۰	شهر گرمسار	خانواده	عوامل مؤثر بر تولید نابرابری جنسیتی	کمی (پیمایش)	تبیینی
۱۱	آذربایجان شرقی	زنان	نابرابری جنسیتی در سازمان‌های مردم‌نهاد	کمی (پیمایش)	تبیینی
۱۲	حاشیه شهر سنندج	زنان	تحلیل روایت زنان از نابرابری‌های جنسیتی	کیفی (تحلیل روایت)	توصیفی - تحلیلی
۱۳	مجموعه خواهر امام رشت	زنان	عدالت جنسیتی در فضاهای شهری	ترکیبی (مردم‌نگاری - تحلیل گفتمان)	توصیفی - تحلیلی - تبیینی
۱۴	شهر ارومیه	زنان و مردان	عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی	کمی (پیمایش)	توصیفی - تحلیلی - تبیینی

ش	قلمرو مکانی	نمونه	موضوع	روش	رویکرد روش شناختی
۱۵	روستاهای دهگلان	زنان	طرد از آموزش و بازتولید نابرابری جنسیتی	کیفی (تحلیل روایت)	توصیفی- تحلیلی
۱۶	کل کشور	اسناد	تأثیر شوک‌های مالی بر نابرابری جنسیتی	تحلیل ثانویه	تبیینی
۱۷	شهر مشهد	زنان	تجارب روزنامه نگاران از نابرابری جنسیتی	کیفی (پدیدارشناسی)	توصیفی- تبیینی
۱۸	استان یزد	زنان و مردان	عوامل مؤثر بر ایجاد تبعیض جنسیتی در ورزش	کمی (پیمایش)	تبیینی
۱۹	شهر تهران	خانواده	نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در خانواده	کمی (پیمایش)	تبیینی

جدول ۳. پژوهش‌های مرتبط با پیامدهای نابرابری و عدالت جنسیتی

ش	قلمرو مکانی	نمونه	موضوع	روش	رویکرد روش شناختی
۲۰	سه شهر شمال	زنان	نابرابری جنسیتی و انگیزش تحصیلی زنان	کمی (پیمایش)	توصیفی- تبیینی
۲۱	کل کشور	اسناد	تصورات قالبی جنسیتی شغلی علیه زنان	اسنادی	تبیینی
۲۲	شهر اهواز	زنان	تبعیض جنسیتی و رضایت زناشویی	کمی (پیمایش)	تبیینی
۲۳	شهر خرم آباد	زنان و مردان	تبعیض جنسیتی و رفتارهای انحرافی	کمی (پیمایش)	تبیینی
۲۴	شهر بوشهر	زنان	عدالت جنسیتی و نگرش به مردم‌سالاری	کمی (پیمایش)	تبیینی
۲۵	شهر کاشان	زنان و مردان	عدالت جنسیتی و توسعه پایدار	کمی (پیمایش)	توصیفی- تبیینی
۲۶	دو روستای چناران	زنان	تبعیض جنسیتی و مشارکت‌پذیری زنان	کمی (پیمایش)	توصیفی- تبیینی

مقیاس جوامع آماری مورد بررسی در پژوهش‌ها را می‌توان در چهار حوزه طبقه بندی نمود:
۱. کشوری و ملی؛ ۲. استانی؛ ۳. شهری؛ ۴. منطقه‌ای.

نتایج بررسی بیانگر آن است که ۱۵/۳۸ درصد پژوهش‌ها در مقیاس کشوری و ملی، ۱۱/۵۴ درصد در مقیاس استانی، ۴۲/۳۰ درصد در مقیاس شهری و ۳۰/۷۶ درصد نیز در مقیاس منطقه‌ای و محلی صورت گرفته است.

از نظر نمونه مورد بررسی پژوهش‌ها، ۵۳/۸۴ درصد مطالعات نمونه‌های خود را از بین زنان (مدیر، دانشجو، متأهل، شهروند و...) انتخاب کرده‌اند. ۱۵/۳۸ درصد تحقیقات نمونه موردنظر خود را از بین هر دو جنس زن و مرد انتخاب کرده‌اند. ۱۵/۳۸ درصد پژوهش‌ها نیز خانواده را به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته و نمونه‌های خود را از بین خانواده‌ها گزینش کرده‌اند. در ۱۵/۳۸ درصد مطالعات نیز نمونه‌های مورد بررسی اسناد و داده‌های موجود بودند.

بررسی و طبقه‌بندی نوع روش تحقیق به کار رفته در مطالعات حاکی از آن است که ۵۷/۶۹ درصد پژوهش‌ها با روش کمی و در قالب پیمایش صورت گرفته است. در ۱۵/۳۸ درصد پژوهش‌ها از روش کیفی تحلیل روایت و پدیدارشناسی بهره گرفته شده است. ۱۱/۵۳ تحقیقات نیز با ترکیب روش کمی و کیفی و یا چند روش کیفی به مطالعه نابرابری جنسیتی پرداخته‌اند. ۱۱/۵۳ درصد پژوهش‌ها نیز از روش تحلیل ثانویه و ۳/۸۴ درصد نیز از روش اسنادی استفاده کرده‌اند. همانطور که ملاحظه می‌شود در بخش اعظم مطالعات روش کمی و پیمایش تسلط داشته است و روش‌های کیفی از فراوانی کمتری برخوردار هستند.

دسته‌بندی شیوه گردآوری داده‌ها در پژوهش‌های مورد بررسی، بیانگر آن است که ۵۱/۵۱ درصد اطلاعات موجود در تحقیقات از طریق پرسشنامه، ۱۸/۱۸ درصد داده‌ها از طریق مصاحبه و مابقی اطلاعات پژوهش‌ها به ترتیب فراوانی به واسطه اسناد کتابخانه‌ای، مشاهده مشارکتی و تصویربرداری جمع‌آوری شده است.

از نظر رویکرد روش‌شناختی حاکم بر مطالعات، می‌توان گفت ۷/۶۹ درصد مطالعات رویکرد توصیفی، ۴۲/۳۰ درصد رویکرد تبیینی، ۳/۸۴ درصد رویکرد تحلیلی و ۴۶/۱۵ درصد پژوهش‌ها نیز رویکردی ترکیبی اتخاذ کرده بودند.

از نظر مکاتب روش‌شناختی ۶۹/۲۳ درصد پژوهش‌ها ذیل مکتب پوزیتیویستی و ۳۰/۷۶ درصد پژوهش‌های مرور شده نیز ذیل مکتب تفسیرگرایی قرار می‌گیرند.

با توجه به مقوله‌بندی سوالات و فرضیات^۱ پژوهش‌ها، می‌توان مسائل و پرسش‌های پژوهش‌گران حول محور نابرابری جنسیتی را در پنج حوزه طبقه‌بندی کرد: ۱. پرسش‌های جامعه‌شناختی؛ ۲. پرسش‌های اقتصادی؛ ۳. پرسش‌های سیاسی؛ ۴. پرسش‌های فرهنگی و ۵. پرسش‌های روان‌شناختی. چنانچه مشاهده می‌شود ۵۹/۰۹ درصد پرسش‌ها جنبه‌ی اجتماعی و پس از آن ۱۸/۱۸ درصد پرسش‌ها جنبه‌ی اقتصادی داشتند. در عصر کنونی با توجه به افزایش حضور اجتماعی زنان در فضاها‌ی عمومی شهری، مراکز آموزشی، مراکز ورزشی و مراکز تفریحی و نیز افزایش اشتغال زنان از نظر محققان عدالت جنسیتی، مسأله اصلی نابرابری جنسیتی در عرصه اجتماعی و پس از آن در عرصه اقتصادی است.

جدول ۴. طبقه‌بندی محوریت پژوهش‌های مرور شده

مقوله‌بندی پرسش‌ها	فراوانی	درصد
جامعه‌شناختی	۳۹	۵۹/۰۹
اقتصادی	۱۲	۱۸/۱۸
سیاسی	۲	۳/۰۳
فرهنگی	۷	۱۰/۶۰
روان‌شناختی	۶	۹/۰۹
مجموع	۶۶	۱۰۰

عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی

بررسی و مقوله‌بندی عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی حاکی از آن است که «عوامل اجتماعی» مشکل از «کلیشه‌های جنسیتی و باورهای قالبی»، «جامعه‌پذیری جنسیتی»، «ایدئولوژی مردسالار»، «ساختار اجتماعی و سازمانی مردانه» و «شهرسازی مردانه» با ۶۱/۸۱ درصد، بیشترین نقش را در ایجاد نابرابری جنسیتی دارند. لازم به ذکر است که همه عوامل اجتماعی اثری مثبت بر وقوع و میزان نابرابری جنسیتی دارند. لذا به میزانی که تصورات قالبی در رابطه با اشتغال زنان، مسؤلیت خانگی

۱. در پژوهش‌های کیفی مسئله و پرسش‌های پژوهش و در تحقیقات کمی فرضیات و پرسش‌ها طبقه‌بندی شده‌اند.

زنان، نقش‌ها و تقسیم کار جنسیتی پررنگ شود نابرابری جنسیتی افزایش می‌یابد. هم‌چنین ساختار اجتماعی مردم‌محور، ساختار سنتی مدیریت و نابرابری در ارتقاء و انتصابات سازمانی از دیگر عوامل مولد نابرابری جنسیتی می‌باشند. به علاوه علی‌رغم اینکه زنان یکی از نقش‌آفرینان فضای شهری هستند، عموماً سهم نابرابر از فضای شهری دارند و عدم مطلوبیت فضای عمومی شهر در ایجاد بی‌عدالتی اجتماعی و نابرابری جنسیتی تأثیرگذار است. مقوله «عوامل اقتصادی» که در بردارنده زیرمقوله‌های «اشتغال زنان»، «استقلال مالی زنان» و «وضعیت مالی خانواده» است، با ۱۰/۹۰ درصد تأثیر از دیگر عوامل تأثیرگذار بر نابرابری جنسیتی می‌باشد. از آنجا که اشتغال و استقلال مالی زنان در توانمندسازی زنان مؤثر بوده و رابطه قدرت و کنترل منابع در خانواده را دگرگون ساخته و بر قدرت تصمیم‌گیری و چانه‌زنی زنان افزوده است بر میزان نابرابری جنسیتی اثری منفی داشته است. میزان درآمد خانواده نیز با نابرابری جنسیتی رابطه‌ای معکوس و منفی دارد و هر چه فقر مادی و وضعیت نامطلوب مالی خانواده بیشتر باشد نابرابری جنسیتی افزایش می‌یابد. «عوامل فرهنگی»، شامل زیرمقوله‌های «آموزش زنان» و «باورها و سرمایه فرهنگی خانواده» با ۱۰/۹۰ درصد در ایجاد نابرابری جنسیتی تأثیری منفی دارد. به گونه‌ای که عدم آموزش زنان و فقر فرهنگی خانواده باعث تشدید نابرابری جنسیتی می‌گردد. از دیگر عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی «عوامل سیاسی» شامل زیرمقوله‌های «توزیع نابرابر قدرت» و «ساختار سیاسی مردانه» است، که با ۷/۲۷ درصد اثری مثبت بر نابرابری جنسیتی دارد. از این رو به میزانی که بر سلطه‌جویی مردان و سلطه‌پذیری زنان و نابرابری ساختارهای سیاسی افزوده می‌گردد، نابرابری و تبعیض جنسیتی افزایش می‌یابد. میزان تأثیرگذاری «متغیرهای زمینه‌ای» نیز بر نابرابری جنسیتی ۹/۰۹ درصد می‌باشد. لذا تحصیلات بالای والدین، رشد فردی و شخصیتی زنان و والدین و ازدواج به هنگام اثری منفی بر وقوع نابرابری جنسیتی دارند.

جدول ۵. عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی

درصد	فراوانی	عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی	
۶۱/۸۱	۱۸/۱۸	۱۰	کلیشه‌های جنسیتی و باورهای قالبی
	۱۲/۷۲	۷	جامعه‌پذیری جنسیتی
	۱۲/۷۲	۷	ایدئولوژی مردسالاری
	۹/۰۹	۵	ساختار اجتماعی و سازمانی مردانه
	۹/۰۹	۵	شهرسازی مردانه

درصد		فراوانی	عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی	
۱۰/۹۰	۳/۶۳	۲	اشتغال زنان	عوامل اقتصادی
	۱/۸۱	۱	استقلال مالی زنان	
	۵/۴۵	۳	وضعیت مالی خانواده	
۱۰/۹۰	۳/۶۳	۲	آموزش زنان	عوامل فرهنگی
	۷/۲۷	۴	باورها و سرمایه فرهنگی خانواده	
۷/۲۷	۵/۴۵	۳	توزیع نابرابر قدرت	عوامل سیاسی
	۱/۸۱	۱	ساختار سیاسی مردانه	
۹/۰۹	۱/۸۱	۱	ازدواج زودهنگام دختران	عوامل زمینه‌ای
	۱/۸۱	۱	تحصیلات والدین	
	۵/۴۵	۳	ویژگی‌های فردی و شخصیتی	
۱۰۰		۵۵	مجموع	

آثار و پیامدهای نابرابری جنسیتی

آثار ناشی از نابرابری جنسیتی، در دو دسته پیامدهای «اجتماعی» و «روانی» طبقه‌بندی شدند. تبعیض و نابرابری جنسیتی در عرصه اجتماعی سبب کوری جنسیتی و بی‌توجهی به الزامات هستی‌زانه و مادرانه در محل کار و جامعه می‌گردد. هم‌چنین این نابرابری باعث بازتولید ساختار اجتماعی نابرابر، توزیع نابرابر قدرت، ثروت، منزلت و فرصت‌ها و نیز بروز رفتارهای انحرافی در محیط شغلی می‌گردد. کاهش شاخص توسعه پایدار شهری و روستایی و کاهش مشارکت‌پذیری زنان از دیگر آثار نابرابری جنسیتی است. در حیطه روانی نیز، تبعیض جنسیتی باعث افزایش فشارهای روانی و احساس محرومیت و کاهش انگیزه شغلی و تحصیلی زنان و کاهش رضایت زناشویی زنان در خانواده می‌گردد.

جدول ۶. آثار و پیامدهای نابرابری جنسیتی

درصد		فراوانی	پیامدهای نابرابری جنسیتی	
۵۴/۵۵	۱۸/۱۸	۲	کوری جنسیتی	آثار اجتماعی
	۹/۰۹	۱	ساختار اجتماعی نابرابر	
	۹/۰۹	۱	رفتارهای انحرافی	

درصد	فراوانی	پیامدهای نابرابری جنسیتی
۹/۰۹	۱	کاهش مشارکت پذیری زنان
۹/۰۹	۱	کاهش توسعه پایدار شهری و روستایی
۴۵/۴۵	۹/۰۹	فشارهای روانی
	۹/۰۹	احساس محرومیت
	۱۸/۱۸	کاهش انگیزه شغلی و تحصیلی
	۹/۰۹	کاهش رضایت زناشویی
۱۰۰	۱۱	مجموع

نظریات حاکم بر پژوهش‌ها و رویکرد آنها نسبت به موضوع نابرابری

در بین نظریاتی که در پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، «نظریه نابرابری جنسیتی چافتز»، «نابرابری جنسیتی بوردیو»، «نظریات جنسیت و فضای شهری» بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. تعدادی از پژوهش‌ها نیز بر دیدگاه‌های فمینیستی حول برابری و عدالت جنسیتی مروری کلی داشتند و از نظریات خاصی استفاده نکرده بودند.

جدول ۷. نظریات مورد استفاده در پژوهش‌ها

درصد	فراوانی	نظریات
۱۳/۵۱	۵	نظریه نابرابری جنسیتی چافتز
۱۰/۸۱	۴	نظریه نابرابری جنسیتی بوردیو
۱۰/۸۱	۴	نظریات جنسیت و فضای شهری (میشل باندز، کارپ استون، یولز و رنه شورت)
۵/۴۰	۲	نظریه تولید فضای لوفور
۵/۴۰	۲	نظریه تبعیض شغلی نئوکلاسیک
۵/۴۰	۲	نظریه بازار کار دوگانه
۵/۴۰	۲	نظریه منابع کالینز
۵/۴۰	۲	نظریه سرمایه انسانی بکر و ماینسر
۲/۷۰	۱	نظریه قشربندی جنسیتی بلومبرگ
۲/۷۰	۱	نظریه نوسازی لرنر
۲/۷۰	۱	نظریه برابری جنسیتی مک دونالد

درصد	فراوانی	نظریات
۲/۷۰	۱	نظریه طرح واره جنسیتی سندرا بم
۲/۷۰	۱	نظریه اجتماعی شدن آلبرت باندورا
۲/۷۰	۱	نظریه نابرابری جنسیتی وست و زیمرمن
۲/۷۰	۱	نظریه نابرابری جنسیتی جو دیت باتلر
۲/۷۰	۱	نظریه جامعه پذیری گیدنز
۲/۷۰	۱	نظریه سرمایه مارکس
۲/۷۰	۱	نظریه کنش متقابل نمادین
۲/۷۰	۱	نظریه پدرسالاری وبر
۲/۷۰	۱	نظریه تقسیم کار دورکیم
۲/۷۰	۱	نظریه پله برقی شیشه ای
۲/۷۰	۱	نظریه شکاف جنسیتی اوکازا و بلیندر
۱۰۰	۳۷	مجموع

تمام پژوهش‌های مورد بررسی به جز یک پژوهش، تلقی تساوی‌گرایانه از عدالت جنسیتی داشتند. بدین معنا که پژوهش‌گران عدالت جنسیتی را به مثابه برابری زن و مرد در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌دانستند. لذا عدم برابری زن و مرد در ارتقاء و انتصابات، اشتغال، دستمزد، آموزش و تحصیلات، کنترل منابع خانواده و قدرت تصمیم‌گیری را از مصادیق بی‌عدالتی و نابرابری جنسیتی تلقی می‌کنند. با توجه به این رویکرد برابری‌گرایانه ۹۶/۱۵ درصد مطالعات ذیل رویکرد فمینیستی به عدالت جنسیتی قرار می‌گیرند؛ چراکه مطابق رویکرد فمینیستی گرچه بین زن و مرد تفاوت بیولوژیکی وجود دارد؛ اما این تفاوت نمی‌تواند سبب تمایز زن و مرد در حقوق و تکالیف گردد. ۳/۸۵ درصد مطالعات صورت گرفته نیز از نظرگاه رویکرد اسلامی به موضوع نابرابری جنسیتی پرداخته‌اند.

جدول ۸. رویکرد کلی پژوهش‌ها نسبت به عدالت و برابری

درصد	فراوانی	رویکرد کلی به عدالت
۹۵/۱۵	۲۵	رویکرد فمینیستی
۳/۸۵	۱	رویکرد اسلامی
۱۰۰	۲۶	مجموع

بحث و نتیجه گیری

بحث پیرامون پرسش اول: پژوهش‌های مرتبط با نابرابری و عدالت جنسیتی به لحاظ ویژگی‌های عمومی (نمونه مورد بررسی، روش، محوریت فرضیات و سوالات پژوهش) چگونه‌اند؟ در برخی پژوهش‌ها نمونه‌های مورد مطالعه از بین مردان نیز انتخاب شده بود. این مسئله به نوعی بیانگر اتخاذ رویکرد ادغام در مسئله نابرابری جنسیتی می‌باشد. به منظور پر کردن خلأهای موجود در نظریه و روش جامعه‌شناسی، برای اینکه مسائل زنان را نیز در بر بگیرد، سه رویکرد مورد توجه قرار گرفته است:

۱. رویکرد ادغام: منظور از این رویکرد روی آوردن به تحقیقاتی است که با حذف گرایش‌های جنس پرستانه زنان نیز در کنار مردان مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند و در روند تحقیقات زنان همانند مردان حضور فعال داشته باشند؛

۲. رویکرد جدایی طلبی: هواداران این رویکرد بر این باورند که باید جامعه‌شناسی خاص زنان را به وجود آورند. این رویکرد می‌تواند زنان را برای ابد حاشیه‌نشین کند. چراکه مردان می‌توانند به تحقیق و نظریه پردازی خود ادامه دهند و هم‌چنان زنان و نگرش‌های آنان را نادیده بگیرند؛

۳. رویکرد بازسازی مفاهیم: طرفداران این رویکرد دگرگونی در نظریه‌های جامعه‌شناختی را مطمح نظر قرار داده و پژوهش‌های جامعه‌شناختی به دست زنان و برای زنان را قبول دارند (آبوت و والاس، ۱۳۹۵: ۲۸-۳۰).

اینکه آیا این موضوع می‌تواند در تحقق عدالت جنسیتی تأثیرگذار باشد یا نه، نیاز به بحث و بررسی جداگانه دارد.

از نظر روش‌شناسی رویکرد کمی بر رویکرد کیفی در پژوهش‌ها غلبه داشت. این در حالی است که به منظور شناخت ابعاد پنهان مسئله نابرابری جنسیتی بهره‌گیری بیشتر از رویکرد کیفی و ابزار مصاحبه می‌تواند اثربخش باشد؛ زیرا پژوهش‌های کمی به سبب محدودیت‌هایی که دارند در مسیر چهارچوب نظری پژوهش پیش می‌روند و به کشف مولفه‌های جدید پیرامون موضوع نمی‌انجامند.

پرسش‌ها و فرضیات درصد قابل توجهی از پژوهش‌گران، در رابطه با موضوع نابرابری و عدالت جنسیتی دارای بعد اجتماعی و جامعه‌شناختی بود. این نتیجه با توجه به تغییرات اجتماعی ناشی از مدرنیته و افزایش حضور اجتماعی زنان در عرصه تحصیل و اشتغال و به تبع آن افزایش مطالبات حقوق اجتماعی زنان در جامعه قابل توجه می‌باشد. نتایج فراتحلیل نابرابری جنسیتی در دهه هشتاد نیز بیانگر آن است که ۵۵ درصد پرسش‌ها و فرضیات پژوهش‌های این دهه با محوریت موضوعات اجتماعی بوده است (کلانتری و فقیه‌ایمانی، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

بحث پیرامون پرسش دوم: چه عواملی در بروز نابرابری جنسیتی مؤثرند؟

در بخش عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی، عوامل اجتماعیِ کلیشه‌های جنسیتی و باورهای قالبی، جامعه‌پذیری جنسیتی و ایدئولوژی مردسالار، ساختار اجتماعی و سازمانی مردانه و شهرسازی و فضاهای شهریِ مردانه بیشترین تأثیر را در ایجاد نابرابری داشته‌اند. با توجه به تحولات اجتماعی ناشی از صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی حضور اجتماعی زنان در فضاهای شهری و در عرصه تحصیلات دانشگاهی و اشتغال افزایش یافته است. این در حالی است که بسترهای فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه پذیرای این حضور نبوده و سبب بروز نابرابری بین دو جنس و به حاشیه راندن زنان گردیده است. عوامل اقتصادیِ اشتغال زنان، استقلال مالی زنان و وضعیت مالی خانواده از دیگر عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی شناخته شده‌اند. به میزانی که منابع مالی خانواده و استقلال مالی زنان افزایش پیدا می‌کند، دسترسی زنان به منابع قدرت افزایش پیدا کرده و نابرابری جنسیتی کاهش می‌یابد.

عوامل فرهنگیِ آموزش زنان و افزایش سرمایه فرهنگی خانواده نیز در ایجاد نابرابری جنسیتی تأثیری منفی دارند. عوامل سیاسیِ توزیع نابرابر قدرت و ساختار سیاسی مردانه اثری مثبت بر نابرابری جنسیتی دارند. متغیرهای زمینه‌ایِ تحصیلات بالای والدین، رشد فردی و شخصیتی زنان و والدین و ازدواج به هنگام نیز اثری منفی بر وقوع نابرابری جنسیتی دارند.

جامعه‌ای که در آن زنان حضور فعال فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند می‌تواند مسیر هموارتری جهت دستیابی به رشد و شکوفایی طی کند؛ از این رو به منظور افزایش کارایی این قشر عظیم از بین بردن زمینه‌های بی‌عدالتی بین دو جنس امریست حائز اهمیت.

بحثی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر محققین مبتنی بر نظریات اسلامی عدالت به پژوهش می‌پرداختند، آیا همین نتایج حاصل می‌شد؟ چرا که به طور مثال از نظر مفهوم جهانی

عدالت جنسیتی، نقش‌های متفاوت زنان و مردان در خانواده از جمله کلیشه‌های جنسیتی و ناشی از ایدئولوژی مردسالاری هستند؛ در حالی که از منظر اسلام چنین نیست.

با توجه به مفهوم جنسیت که مفهومی اجتماعی و پیچیده است، افزون بر ضرورت تحلیل برداشت هر گروه از مفهوم عدالت و مسائل وابسته به آن، بررسی مفهوم جنسیت و حیطه مسئله بودگی آن برای هر دو طیف بسیار مهم است. چه معتقد باشیم تفاوت‌های جنسیتی اعم از ذهنی و رفتاری ریشه طبیعی دارند و چه معتقد نباشیم، برساختی اجتماعی و فرهنگی بودن ابعادی از این تفاوت‌ها میان همه مشترک است؛ که می‌تواند سبب ایجاد بی‌عدالتی بین زنان و مردان شود. بر این اساس، مسئله ما با دیدگاه‌های فمینیستی درباره بخشی از این تفاوت‌های برساختی است که دین آنها را می‌پسندد و فمینیسم با همه آنها مخالف است. این امر حیطه عدالت را نیز تعیین و معلوم می‌کند که محل نزاع اندیشه اسلامی با نگرش فمینیستی در این باره چیست (علاسوند، ۱۳۹۷: ۷۲).

بحث پیرامون پرسش سوم: نابرابری جنسیتی چه آثار و پیامدهایی دارد؟

مطابق نتایج، تبعیض و نابرابری جنسیتی در عرصه اجتماعی سبب کوری جنسیتی، بازتولید ساختار اجتماعی نابرابر، بروز رفتارهای انحرافی، کاهش شاخص توسعه پایدار شهری و روستایی و کاهش مشارکت‌پذیری زنان می‌گردد. در حیطه روانی نیز، تبعیض جنسیتی باعث افزایش فشارهای روانی و احساس محرومیت و کاهش انگیزه شغلی و تحصیلی زنان و کاهش رضایت زناشویی زنان در خانواده می‌شود.

بحث پیرامون پرسش چهارم: نظریات حاکم بر پژوهش‌ها و رویکرد کلی پژوهش‌ها نسبت به نابرابری و عدالت جنسیتی چیست؟

در بخش نظریات، تقریباً تمامی پژوهش‌ها از نظریات و دیدگاه‌های فمینیستی جهت تقویت زمینه نظری پژوهش و مفهوم‌شناسی نابرابری و عدالت جنسیتی بهره گرفته بودند. لازم به ذکر است که یکی از بنیادی‌ترین مسائل در بحث برابری، مفهوم‌شناسی زوج ترکیبی، عدالت جنسیتی است. این مفهوم‌شناسی بر تمام پیکره نظری و عملی در مسیر تحقق عدالت جنسیتی اثر خواهد گذاشت (علاسوند، ۱۳۹۷). اگر عدالت جنسیتی به برابری زن و مرد و تشابه در حقوق و تکالیف تحویل رود، آن‌گاه نوع مطالعات نظری، مطالعات میدانی و تبیین معیارها و شاخص‌ها بر همین معنای برابرانگارانه تمرکز خواهند یافت و نتایجی متناسب با آن اصطیاد خواهند کرد. متقابلاً اگر این زوج ترکیبی، به

برابری تناسبی میان زن و مرد تحویل رود، آن نتایج، متفاوت می‌نمایند (شجریان، ۱۳۹۹: ۳۲). لذا ابتدای مطالعات بر محور نظریات فمینیستی، نتایجی متناسب با این رویکرد در بر خواهد داشت. تمام پژوهش‌های مورد مطالعه به جز یک پژوهش رویکردی تساوی‌گرایانه و فمینیستی به عدالت جنسیتی داشتند. مطالعه فراتحلیل عدالت جنسیتی دهه هشتاد نیز بیانگر آن است که پژوهش‌های آن دهه نیز به صورت فراگیری تلقی فمینیستی از برابری را مفروض گرفته‌اند (کلانتری و فقیه ایمانی، ۱۳۹۱: ۱۳۷). در بیان علت این امر می‌توان گفت گرچه بحث عدالت در بین علما و اندیشمندان مسلمان سابقه‌ای طولانی دارد اما معمولاً علما به طرح مباحث نظری در این حوزه اکتفا کرده و به صورت عملیاتی به آن نپرداخته‌اند و در باب تعیین شاخص‌های عدالت استحقاقی در موارد اختلاف حقوق و تکالیف بین زن و مرد مباحثی ارائه نکرده‌اند. این درحالی است که از یک‌سو از منظر اسلام، عدالت در فقه سیاسی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است و از سوی دیگر حضور زنان در عرصه عمومی و اجتماعی روز به روز در حال افزایش است.

پیشنهادات

عدالت جنسیتی یک اصطلاح شناخته شده بین‌المللی و راهبردی برای برابری میان جنسیت‌ها و از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی است. عده‌ای از محققین عدالت جنسیتی را ذیل نظریه کلی عدالت اسلامی قرار داده و تلاش کرده‌اند بر مبنای تفاوت میان دو جنس و دیدگاه اسلام نسبت به حقوق و تکالیف دو جنس، مصطلحی دیگر برای عدالت جنسیتی ارائه دهند و آن را در چهارچوب اندیشه اسلامی قرار دهند. در حالی که به کارگیری یک مفهوم در دو مصطلح متفاوت که تفاوت پارادایمی دارند، هم خلط مفهومی ایجاد می‌کند و به مفاهمه ضرر می‌رساند و هم بستری برای سوء استفاده از مفهوم مشترک ایجاد می‌شود.

گفتمان فمینیستی از عدالت با استفاده از روش‌های سیاسی به عنوان گفتمانی غالب تحمیل شده؛ در حالی که لازم است گفتمانی از عدالت ناظر به برابری‌ها و تفاوت‌های دو جنس مبتنی بر پشتوانه‌های نظری قدرتمند از جمله نظریه دینی از عدالت ارائه شود. لذا لازم است عدالت‌پژوهان مسلمان اولاً مفهوم نوآورانه‌ای در ارتباط با برقراری عدالت بین زنان و مردان ارائه دهند؛ ثانیاً به ابعاد عملگرایی از عدالت بین دو جنس بپردازند و شاخص‌های عملی در این باره ارائه دهند.

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۹۵) *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه نجم‌عراقی منیژه، تهران، نشر نی.
- برومند، مریم و رضایی، سولماز (۱۳۹۵) «ارزیابی عملکرد بوستان‌های زنان در ارتقای عدالت جنسیتی در شهرهای اسلامی؛ نمونه موردی: بوستان مادر آزادگان منطقه ۱۵ شهر تهران»، *پژوهشنامه زنان*، ۷(۲)، ۶۲-۴۵.
- بیداریخت، نازنین و جرجزاده، علیرضا (۱۳۹۸) «بررسی عوامل مؤثر بر تبعیض جنسیتی دستمزد در ایران»، *تحقیقات اقتصادی*، ۵۴(۲)، ۳۰۱-۲۸۵.
- پورحسین، حمید؛ پورجعفر، محمدرضا و علی اکبری، صدیقه (۱۳۹۸) «تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری مطالعه موردی: فضای شهری مجموعه خواهر امام رشت»، *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، ۴(۱۰)، ۱۴۵-۱۱۵.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۳) *چرخش‌های لیبرالیسم*، تهران، انتشارات روزنه.
- خضرنژاد، پخشان؛ پورمحمدی، محمدرضا و روستایی، شهریور (۱۳۹۸) «تحلیل حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی نمونه موردی: شهر ارومیه»، *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۰(۴۰)، ۲۲۲-۱۹۵.
- جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۸) «بررسی رابطه بین عدالت اجتماعی و جنسیتی با نگرش زنان بوشهری به مردم‌سالاری»، *نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۲(۵)، ۱۱۷-۱۴۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲) *زن در آینه جمال و جلال*. قم، مرکز نشر اسراء.
- چشمه‌قصابانی، ناهید؛ ملک ساداتی، سعید و ناجی میدانی، علی اکبر (۱۳۹۸) «ابعاد منطقه‌ای شکاف جنسیتی دستمزد شاغلان بخش دولتی و خصوصی در بازار کار شهری ایران: رویکرد تجزیه نئومارک»، *اقتصاد شهری*، ۵(۲)، ۹۰-۷۷.
- حسینی، سید حسن و احمدی، سینا (۱۳۹۵) «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و گرایش والدین به تبعیض جنسیتی (مطالعه موردی والدین شهرستان جوانرود)»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۱)، ۵۶-۲۷.
- حکاک، محمد؛ اکبری پشم، فاطمه و سلگی، زهرا (۱۳۹۷) «تأثیر تبعیض جنسیتی و عدالت سازمانی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار با میانجی‌گری دل‌بستگی سازمانی مورد مطالعه: کارکنان هتل‌های شهر خرم‌آباد»، *فصلنامه گردشگری و توسعه*، ۷(۴)، ۲۵۷-۲۴۱.
- حیاتی، داریوش؛ رضایی مقدم، مهناز و ولی زاده، ناصر (۱۳۹۶) «تحلیل سازه‌های مرتبط با نابرابری جنسیتی در بین خانواده‌های فقیر کشاورز: مورد مطالعه مناطق روستایی شهرستان سروستان فارس»، *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۱۳(۱)، ۲۲۷-۲۱۱.
- خراسانی، رضا و احمدوند، ولی محمد (۱۳۹۷) «تأملی نظری در مفهوم عدالت جنسیتی»، *نشریه قیاسات*، زمستان ۹۷(۹۰)، ۱۹۸-۱۷۱.

- خوش‌روش، وحید؛ کیامنش، علیرضا و بهرامی، هادی (۱۳۹۶) «رابطه مؤلفه‌های نابرابری جنسیتی با انگیزش تحصیلی زنان»، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۱ (۳۸)، ۵۷-۳۹.
- دانش‌مهر، حسین؛ خالق پناه، کمال و زندی سراپسوره، سهیلا (۱۳۹۹) «طرد از میدان آموزش و بازتولید نابرابری جنسیتی: تحلیل روایت زنان روستاهای شهرستان دهگلان»، زن در توسعه و سیاست، ۱۸ (۱)، ۱۲۹-۱۰۵.
- دهقان بنادکی، سید امین؛ قاسم، زارع و احمدی نسب، مجتبی (۱۳۹۹) «مدل‌سازی عوامل مؤثر بر ایجاد تبعیض جنسیتی در مدیریت ورزش کشور از دیدگاه کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان یزد»، نشریه زن و جامعه، ۱۱ (۳)، ۱۴۸-۱۲۹.
- رحیمی، اکبر؛ واعظی، موسی؛ محمدی، حجت و باکویی، مانده (۱۳۹۷) «ارزیابی عدالت جنسیت در فضاهای عمومی شهری، مطالعه موردی: مرکز شهر تبریز»، نشریه زن و جامعه، ۹ (۳)، ۲۴۴-۲۱۹.
- رومینا، ابراهیم؛ تیموری، قاسم و احمدی پور، زهرا (۱۳۹۷) «بررسی رابطه فضا و عدالت جنسیتی: مطالعه موردی: منطقه ۶ شهر تهران»، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی، ۳ (۴)، ۱۶۲-۱۴۱.
- زارع‌شحنه، محمدمهدی؛ نصراللهی، زهرا و پارسا، حجت (۱۳۹۹) «تأثیر شوک‌های پولی، مالی و نفتی بر نابرابری جنسیتی در چارچوب یک الگوی نیوکینزی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۱ (۴۱)، ۸۲-۶۵.
- شجریان، مهدی (۱۳۹۹) «بررسی رویکردهای رایج در مفهوم عدالت جنسیتی»، نشریه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۷ (۱۲)، ۵۲-۳۱.
- شکرپیگی، عالیه (۱۳۹۶) «بررسی نابرابری جنسیتی و عوامل مرتبط با آن در بین زنان شهر بوکان و میان‌آب»، پژوهش‌نامه زنان، ۸ (۳)، ۶۷-۴۷.
- شیری، اردشیر؛ فرجی، الهام و یاسینی، علی (۱۳۹۷) «تجربه‌ی نابرابری جنسیتی در ارتقاء و انتصابات سازمانی: خوانشی استعماری از پدیده پله برقی شیشه‌ای»، پژوهش‌نامه زنان، ۹ (۲)، ۳۱-۱.
- صادقلو، طاهره؛ خوب، شادی و صاحبی، شیرین (۱۳۹۹) «بررسی تأثیرات تبعیض جنسیتی بر میزان مشارکت‌پذیری زنان روستایی (مورد مطالعه: دهستان‌های گل‌مکان و رادکان شهرستان چناران)»، زن در توسعه و سیاست، ۱۸ (۱)، ۵۳-۳۳.
- صدرنوی، فاطمه؛ ترشیزی، ملیحه و دانشور، هانیه (۱۳۹۹) «مطالعه پدیدارشناختی تجارب زنان روزنامه‌نگار از پدیده نابرابری جنسیتی در محیط شغلی مطبوعات»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۷ (۱)، ۲۸۵-۲۵۵.
- صفری، حسین؛ دانش، پروانه؛ سفیری، خدیجه و فخرایی، سیروس (۱۳۹۷) «تبیین نابرابری جنسیتی در سازمان‌های مردم‌نهاد استان آذربایجان شرقی»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۷ (۱)، ۱۷۹-۱۷۹.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷) *تعالیم اسلام*، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.

فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

- عباس‌پور، ذبیح‌اله و قنبری، زهرا (۱۳۹۷) «بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف»، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۹ (۴)، ۱۳۸-۱۲۷.
- طهرانی، محمدحسین (۱۴۱۸) رساله‌بایعه، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی.
- عبداله‌زاده، نسیم دانش، پروانه؛ سفیری، خدیجه و فخرایی، سیروس (۱۳۹۷) «تحلیل روایت زنان از نابرابری‌های جنسیتی در میدان آموزش مورد مطالعه: زنان مناطق حاشیه‌ای نایس شهر سنندج»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، پاییز ۹۷ (۳۶)، ۲۰۸-۱۷۵.
- علاسوند، فریبا (۱۳۹۸). «امکان سنجی عدالت جنسیتی در نظریه‌های عدالت: فیلسوفان غربی در قرن بیستم». مطالعات جنسیت و خانواده، ۱۷ (۱)، ۳۱-۱۱.
- علاسوند، فریبا (۱۳۹۷) «عدالت جنسیتی به مثابه یک مفهوم تفسیرپذیر و نامتین»، نشریه مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، ۱ (۱)، ۷۸-۵۹.
- قاسمی، زهرا (۱۴۰۰) «بررسی نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در خانواده و تبیین عوامل مؤثر بر آن»، زن در توسعه و سیاست، ۱۹ (۱)، ۱۱۷-۹۵.
- قنبری، فائزه و فتحی، سروش (۱۳۹۶) «بررسی عوامل مؤثر بر تولید نابرابری جنسیتی در بین خانواده‌های شهر گرسار»، دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، ۵ (۱)، ۸۶-۶۹.
- کلانتری، عبدالحسین و فقیه ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲) «فرا تحلیل پژوهش‌های انجام شده درباره نابرابری جنسیتی»، زن در فرهنگ و هنر، ۵ (۱)، ۱۴۲-۱۲۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲) نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- معینیان نریمه (۱۳۹۶) «نگاهی جامعه‌شناختی به نقش تصورات قالبی جنسیتی شغلی علیه زنان و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری این تصورات قالبی در فرهنگ ایران»، زن و مطالعات خانواده، ۱۰ (۳۷)، ۱۷۹-۱۶۳.
- مقصودی بیگلری، مهدی؛ جهانبخش، اسماعیل و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۸) «بررسی نقش عدالت جنسیتی در توسعه پایدار شهری و روستایی در شهرستان کاشان»، نشریه حقوق پزشکی، تابستان ۹۸ (۶)، ۴۵-۳۴.
- Delphy, C. (2003). *Feminist. Theory reader: Local and global perspective: Rethinking Sex and Gender*, New York, Routledge.
- Hayek, F. A. (2011). *The constitution of liberty; university of Chicago*, Edited by Bruce Caldwell press.
- <https://en.unesco.org/sdgs>: SDGs. Through the Education 2030 Framework [for Action](#).
- <https://www.unwomen.org/en/how-we-work/capacity-development-and-training/training-centre-services>.
- Konow, J. (2013). Which Is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theory; *Journal of Economic Literature*, 41 (4), 1188-1239.
- Koufogiannakis, D. & Wiebe, N. (2006). Effective methods for teaching information literacy skills to undergraduate students: a systematic review and meta-analysis. *Evidence Based Library and Information Practice*, 1 (3), 3-43.

- Kulik, J. A. & Kulik, C. L. C. (1989). The concept of meta-analysis. *International Journal of Educational Research*, 13 (3), 227-340.
- Macintyre A. (1981), *Afier virtue*, Londen, Duckworth press.
- Mukhopadhyay, M. & Singh, N. (2007). *Gender Justice, Citizenship and Development*, New Delhi, Zubaan, an imprint of Kali for Women.
- Nozick, R. (1979). *Anachy, state and utopi*, Londen (Oxford), Basil Blakewell press.
- Rowls, J. (1999). *A theory of justice*, Harvard College press.
- Sandel M. J. (1998). *Liberalism and the limits of justice*, second edition, United states of America, Cambridge university press.

